

دعای صبح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ

خدایا ای کسی که بیرون کشید زبان صبح دم را

بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ

به بیان تابناک آن

وَ سَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ

و پراکنده ساخت پاره های شب تاریک را

بِغَيَاهِبِ تَلَجُّجِهِ

با آن توده های سیاه سرگردانی که داشت

وَ أَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ

و محکم ساخت ساختمان این چرخ گردون را

فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ وَ شَعْشَعِ ضِيَاءِ الشَّمْسِ

در اندازه ها و گردش های زیبایش و پرتو افکن ساخت تابش خورشید را

بِنُورِ تَاجُّجِهِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ

با نور فروزان و گرم آن ای که راهنمایی کرد بر خودش به خودش

وَ تَنَزَّهَ عَنِ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ

و منزّه است از هم جنسی (و مشابهت با) مخلوقاتش

وَ جَلَّ عَنِ مُلَائِمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ

و برتر است از سنخیت یا چگونگی های عالم خلقت

يَا مَنْ قُرْبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ

ای کسی که نزدیک است به گمانهایی که (درباره او) بر دل خطور کند

وَ بَعْدَ عَنِ لَحَظَاتِ الْعُيُونِ

و دور است از چشم انداز دیدگان

وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ

و می داند آنچه را می شود پیش از شدنش

يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادٍ أَمْنِهِ وَ أَمَانِهِ

ای کسی که مرا در گهواره آسایش و امنیت خود به خواب برد

وَ أَيْقَظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنِّهِ وَ إِحْسَانِهِ

و برای استفاده از نعمت ها و بخشش های بی دریغش که به من ارزانی

داشته بیدارم کرد

وَ كَفَّ أَكْثَرَ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَ سُلْطَانِهِ

و پنجه های بدخواهان را به دست قدرت و سلطنت خویش از من باز

داشته

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَيْلِ

درود فرست بر آن راهنمای به سوی تو در شب بسیار تار (جاهلیت)

و الْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَوَّلِ

و آن کس که در میان اسباب و وسائل تو بلندترین ریسمان شرف را

گرفت

و النَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ

و آن کس که حسب پاک و خالصش بر بلندترین شانه های مردان عالم

قرار داشت

و الثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ

و آن ثابت قدم بر روی لغزشگاه ها در آن زمان پیشین

و عَلَى إِلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ

و بر خاندان نیکوکار برگزیده خوش کردارش

و افْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيْعَ الصَّبَاحِ

و بگشا برای ما خدایا لنگه های در بامدادان را

بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَ الْفَلَاحِ

به کلیدهای رحمت و رستگاری

وَ اَلْبَسْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ اَفْضَلِ خَلْعِ الْهِدَايَةِ وَ الصَّلَاحِ

و بپوشانم خدایا از بهترین خلعت های هدایت و شایستگی

وَ اَغْرِسِ اللّٰهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي

و بجوشان خدایا به عظمت خویش در جویبار دلم

يَنَابِيعِ الْخُشُوعِ

چشمه های خشوع

وَ اَجْرِ اللّٰهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ اَمَاقِي زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ

و جاری ساز خدایا برای هیبتت از گونه هاییم مشک های اشک

وَ اَدِّبِ اللّٰهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنِّي بِازِمَةِ الْقُنُوعِ

و ادب کن خدایا سبک مغزی و تندخوی مرا به مهارهای قناعت (یا

خواری در سؤال)

إِلَهِى إِنَّ لَمْ تَبْتَدِئْنِى الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ

خدایا اگر در ابتدا رحمت تو از روی حسن توفیق به سراغ من نمی آمد

فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِى وَاضِحِ الطَّرِيقِ

پس چه کسی بود که مرا در این راه روشن به سویت آرَد

وَإِنْ أَسْلَمْتَنى أَنَا تُكَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَ الْمُنَى

و اگر حلم و بردباری تو مرا به دست آرزو و میل سرکش سپارد

فَمَنْ الْمُقِيلُ عَثْرَاتِى مِنْ كَبَوَاةِ الْهَوَى

پس چه کسی لغزش های مرا از زمین خوردن های هوا و هوس نادیده

بگیرد

وَإِنْ خَذَلْنِى نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَ الشَّيْطَانِ

و اگر در هنگام جنگ با نفس و شیطان یاری تو نباشد

فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانُكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْجِزْمَانِ

مسلماً همان یاری نکردنت مرا به دست رنج و حرمان سپارد

إِلَهِي أَتَرَانِي مَا أَتَيْتُكَ

خدایا تو به خوبی مرا می بینی که نزدت نیامدم

إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ

جز از راه آرزوها (و آنها بود که مرا به درگاهت آورد)

أَمْ عَلِقْتُ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ

یا شده که به سر رشته های فضل و کرمات چنگ زدم

إِلَّا حِينَ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوِصَالِ

جز وقتی که گناهانم مرا از خانه وصال دور سازد

فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِي امْتَطَيْتُ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا

پس چه بد مرکبی است این مرکب هوا و هوس که نفس من بر آن سوار

شده

فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَ مَنَاها

پس وای بر این نفس که گمان های باطل و آرزوهای بی جایش در نزد او

جلوه کرد

وَ تَبَّأَ لَهَا لِحُرَّاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَ مَوْلِيهَا

و نابود باد که بر آقا و مولای خویش دلیری کرد

إِلَهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي

خدایا من در رحمتت را به دست امیدم کوبیدم

وَ هَرَبْتُ إِلَيْكَ لَاجِئًا مِنْ فَرْطِ أَهْوَائِي

و از فرط هواهای نفسانی به حال پناهندگی به سوی تو گریختم

وَ عَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ أَنَامِلَ وَلَائِي

و بند کردم به سر رشته های کرمّت انگشتان دوستی ام را

فَأُصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّ ا كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَ خَطَايَا

پس درگذر خدایا از جرم هایی که من از روی لغزش و خطا کردم

وَ أَقْلِنِي مِنْ صَرَعَةٍ [رِدَائِي]

و نگاهم دار از حمله بیماریم (که دچار گشته ام)

فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مُعْتَمَدِي وَ رَجَائِي

زیرا که تویی آقا و مولایم و تکیه گاه و امیدم

وَ أَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَ مُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ

و تویی منتهای خواسته و آرمانم در دنیا و عقبایم

إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُدُ مِسْكِينًا اتَّجَاءَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا

خدایا چگونه برانی از درگاهت بیچاره ای را که در حال فرار از گناهان به تو

پناه آورده

أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا قَصَدَ إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا

یا چگونه نومید سازی راه جوی را که شتابان آهنگ حضرت تو را کرده

أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْثَانَ وَرَدَ إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا

یا چگونه بازگردانی تشنه ای را که برای نوشیدن (آب) بر سر حوض های

تو آمده

كَلَّا وَ حِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ فِي ضَنْكِ الْمُحُولِ

نه هرگز چنین نخواهی کرد با اینکه حوض های (پرفیضت) در سخت ترین

خشکسالی ها لبریز است

وَ بِأُفْكٍ مَفْتُوحٍ لِلطَّلَبِ وَ الْوُغُولِ

و در خانه ات برای خواستن و ورود در آن باز است

وَ أَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ

و تویی انتهای خواسته

وَنِهَآيَةُ الْمَأْمُولِ

(خواستاران) و منتهای آرزوی (آرزومندان)

إِلَهِ هَذِهِ أَرْمَةٌ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ

خدایا این مهارهای نفس من است که به پای بند مشیت تو آنها را بستم

و هَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ

و این است بارهای سنگین گناهانم که به امید عفو و رحمتت بر زمین

نهادم

و هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ

و این است هوسهای گمراه کننده ام

وَكَلَّتُهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَ رَأْفَتِكَ

که به آستان لطف و مهرت سپردم

فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نِازِلًا

پس ای خدا این بامداد مرا چنان مقرر کن

عَلَىٰ بُضِيَاءِ الْهُدَىٰ وَبِالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا

که با انوار هدایت و سلامت در دین و دنیا بر من فرود آید

وَمَسَائِي جَنَّةٍ مِنْ كَيْدِ الْعَدَىٰ

و شامم را سپری از نیرنگ خطرناک دشمنان

و وَقَايَةٍ مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوَىٰ

و پناهگاهی از پرتگاه های هوا و هوس قرار ده

إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ

که تو بر هر چه بخواهی

تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ

توانایی ملک و سلطنت را به هر که خواهی می دهی

و تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ

و از هر که خواهی برگیری

و تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ

و عزت دهی هر که را خواهی

و تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ

و خوار کنی هر که را خواهی

بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

همه خوبی ها بدست تو است و تو بر هر چیز توانایی

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

شب را در روز فروبری و روز را در شب درآوری

و تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

زنده را از مرده بیرون آوری

و تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

و مرده را از زنده برون آری

و تَزُوقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

و به هر که خواهی بی حساب روزی دهی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

معبودی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ

منزهی تو خدایا و حمد تو را گویم

مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ

کیست که قدر تو را بشناسد و از تو نترسد

و مَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ

و کیست که بداند تو کیستی و از تو نهراسد

أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ

تو با قدرت خویش جداها را با هم جمع کردی

وَفَلَقْتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَاقَ

و به لطف خویش سپیده دم را شکافتی

وَأَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاغِيَ الْغَسَقِ

و به کرم خود تاریکی های شدید شب را روشن کردی

وَأَنْهَزْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبَاءً وَأُجَاجاً

و روان کردی آبهای شیرین و شور را از دل سنگهای سخت و محکم

وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجاً

و فرو ریختی از ابرهای فشرده آبی ریزان و فراوان

وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجاً وَهَّاجاً

و قرار دادی خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان

مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ

بدون آن که در آنچه بدان آغاز کردی (در آفرینش)

لُغُوبًا وَ لَا عِلَاجًا

دچار خستگی و تعب گردی یا به چاره جویی محتاج شوی

فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَ الْبَقَاءِ

ای آن که در عزت و بقاء یگانه است

وَ قَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَ الْفَنَاءِ

و بندگانش را به وسیله مرگ و نابودی مقهور خویش کرده

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَتْقِيَاءِ

درود فرست بر محمد و خاندان پرهیزکارش

وَ اسْمَعْ نِدَائِي وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي

و فریاد مرا بشنو و دعایم را به اجابت مقرون ساز

وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَ رَجَائِي

و به فضل خویش آرزو و امید مرا تثبیت کن

يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ

ای بهترین کسی که خوانده شدی برای برطرف ساختن گرفتاری

و الْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَ يُسِّرْ بِكَ

و آرزو شده ای برای هر سختی و آسانی

أَنْزَلْتُ حَاجَتِي

فرود آوردم بار حاجتم را بدرگاهت

فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِيَّ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا

پس مرا از عطایای عالی (و سنگین قیمت) خود ناامید باز مگردان

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

ای کریم ای کریم ای کریم

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

به رحمت خود ای مهربان ترین مهربانان

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ

و درود خدا بر بهترین آفریدگانش محمد و آل او همگی

پس به سجده برو و بگو:

إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَغْيُوبٌ

خدایا دلم در پرده است و نفسم معیوب

وَ عَقْلِي مَغْلُوبٌ وَ هَوَائِي غَالِبٌ

و عقلم مغلوب است و هوای نفس بر من چیره است

وَ طَاعَتِي قَلِيلٌ وَ مَعْصِيَتِي كَثِيرٌ

و طاعتم اندک و گناهانم بسیار است

وَ لِسَانِي مُقَرَّرٌ بِالذُّنُوبِ فَكَيْفَ حِيلَتِي

و زبانم به گناهان اقرار دارد پس چاره ام چیست

يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ

ای پرده پوش عیب ها و ای دانای نادیدنی ها و ای برطرف کننده اندوه ها

إِغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بیامرز همه گناهانم را به حرمت محمد و آل محمد

يا غَفَّارُ يا غَفَّارُ يا غَفَّارُ

ای بسیار آمرزنده ای بسیار آمرزنده ای بسیار آمرزنده

بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان